

یک خاطره یک عکس

در نامه‌ای که یکی از انجمن‌های سری تهران، پس از دیدن عکس بست‌نشینان در سفارت عثمانی، به صورت اعتراضی به آنها نوشته، اندرزهایی را نیز برای چگونگی عکسبرداری، به منظور تأثیرگذاری بیشتر عکس‌ها بر افکار عمومی، مورد اشاره ارائه داده است که از نظر جهت‌دهی به کارکرد تبلیغات سیاسی عکس و تبیین ویژگی‌هایی برای این گونه عکس‌ها، در دوران خود ارزنده است: «… چند روز قبل صفحه عکسی از متحصنین سفارت به مجلس ملت‌خواهان آورده؛ همه خودساخته، همه آراسته، همه حمام‌رفته، همه مُقطّع، همه منظم، همه با عصا و تعلیمی به دست، بعضی تفنناً در صندلی نشسته، برخی تفرجاً ایستاده، خیلی خیلی موجب تأسف شد که موضوع مطلب و مقصد، به کلی از دست رفته؛ مثل این من ماند که جماعتی به سفارت علیه به مهمانی رفته عکس هم انداخته‌اند از این نمونه، مسلم است که کمال شایقه در تهیه شام و نهار و شیر و تخم مرغ صبح او! عصرانه هم خواهد بود و حال آنکه جنابان عالی، مظلوماً،اضطرار! خائفاً، نماینده یک ملت اسلام، به جهت احقاق حقوق مضمونه خود، باطناً [به] استغاثه به درگاه خدا، و ظاهراً به سفارت علیه شاهنشاه اسلام بنده رفته‌اید، شایسته بود که غیر از مقصد، توجه به هیچ مقام نداشته باشند. بر فرض که عکس هم می‌خواستند ببیند؛ازند؛ یک عکس کروپ [جمعی] از درم برهم، با رنگ‌های پریده، دسته‌ها به آسمان بلند، چشم‌ها به آسمان باز، با توجه به خدا، یا الله‌گوینان، به هیچ‌وجه متوجه عکس نبودن…»



پيام برازجانپور مدرس تاريخ عكاسی درباره نقش عکس در مستندسازی وقایع تاریخی و مشکلاکای کشفقدان عکس در بازخوانی تاریخ دارد، و ریشه‌یابی مشکلاکای که عکاسان از ابتدای ورود این رسانه به ایران داشته‌اند در تریب دادیم که از نظر می گذرانید.

–**جناب آقای طهماسب‌پور درباره علت و چگونگی ورود عکاسی به کشور اطلاعاتی در دست است، اما چه شد که عکاسی به میان مردم راه پیدا کرد و اگر مشروطه عکاسگاه این اتفاق بوده است آیا معلوم است چه کسی این کار را کرده است؟**
نمی‌توان گفت دوربین از زمان مشروطه بین مردم آمد. در زمان ناصرالدین‌شاه پس از گذشت یک دهه از عکاسی که دیگر عکاسی و تکنیک‌های ظهور و چاپ راحت‌تر می‌شود، به لحاظ اینکه شاه به سفر می‌رفته است یا عکاسان را به مأموریت می‌فرستاده‌اند، مایل بوده از مردم تحت قلمرو وی نیز عکاسی شود تا از شیوه زندگی رعایا، بناها و رسوم مطلع شود. چیزی که از عکس‌های موجود می‌توان فهمید این است. دستورهایی ناصرالدین‌شاه داده است که عکاسان برونند و از جاهایی که نمی‌توانسته بروند، عکاسی کنند تا او ببیند. می‌توان گفت عکاسی از همان زمان‌ها در میان مردم رفته است. البته اینکه به لحاظ تکنیکی امکان بردن دوربین در بین مردم به خاطر مواد حساس به نور و الزام ساکن بودن سوزه‌ها وجود نداشت نیز خود علت دیگری برای تأخیر در ورود عکاسی در بین مردم بود. از دورهای که این محدودیت برطرف می‌شود عکس‌هایی موجود است مثلاً از مسجد سپهسالار و از جمله بازارهایی که در آنجا تشکیل این شده است و اجتماعات مردمی. در نتیجه به شکل این سخی که عکاسی تخصصی که فرد عکاس باید برای عکاسی کردن از آن بهره‌مند می‌بود این فرض که مردم عادی در ایران عکاسی کنند فرض محالی بود. البته از اوایل دهه ۱۲۸۰ به بعد توسط عکاسان دربار از مردم عکاسی شد و این ادامه یافت تا اوایل مشروطه که دیگر می‌توان گفت عکاسی کامل به میان مردم آمد.

–**در همان مقطع تاریخی در دیگر کشورهای جهان آیا عکاسی حالت مردمی تر داشته است. چون ایران بالاخره جزء اولین کشورهایی بوده است که عکس، در آن راه پیدا کرده است؟**
خیر، در آسیا هم عکس از مردم زیاد وجود دارد ولی کمابیش همان مشخصات عکس‌های ایرانی را دارا هستند یعنی پرتره‌هایی از مردم با شخصیت‌های خاص ولی به این معنی که در آنجا عکاسی بین مردم رفته؛ خیر این نمونه نبوده است. اساساً اینکه بتوان گفت عکاسی بسیار مردمی شد یا به اصطلاح دموکراتیزه شد از دوربین‌های کدک شروع شد که این در سال ۱۸۸۸ میلادی است که عکاسی از دست نخبگان خارج شد و به دست مردم رسید، آن هم به دلیل سادگی‌ای که مسائل فنی ایجاد شد.

– **پس اینکه عکاسی دچار تحول در شکل می‌شود همراه با یک تحول در ابزار و فناوری آن هم بوده است.**

بله دقیقاً،همزمان با تولید دوربین‌های براوننی کدک عکاسی بسیار سهل‌الوصول شد و مردم و البته در ایران آنهایی که وضع بهتری داشتند عکاسی می‌کردند و این دوره بود که می‌توان گفت عکاسی در بین مردم رواج یافته است.

– **آیا مردم در این دوره عکس‌هایی می‌گرفتند که خارج از حیطه فضای خصوصی و خانوادگی‌شان باشد؟**

مردم خیر، اما در همان دوره ۱۲۸۰ به بعد توجه عکاسان به مردم و رفتار و سبک زندگی آنها جلب می‌شود و این عکس‌ها در آرشوها الان موجود است از آن دوره عکس‌هایی موجود است که مردم عادی در کوچه و خیابان یا خرید یا در نماز جماعت هستند. این توجه از سبوی نخبگان عکاسی یا عکاسان دربار انجام می‌شده است یا به دستور شاه بوده اما از دوره مشروطه

است که عکس‌ها توجهشان به سمت حرکات جهت‌دار مردمی جلب می‌شود و نوعی عکاسی سیاسی از مردم رواج می‌یابد. ثبت این وقایع هم برای عکاسان منبع درآمدی بود چون عکس‌های سران مشروطه یا عکس اجتماعات مردمی را می‌فروختند.

– **به چه کسانی می‌فروختند؟**
به مردم. اساساً از قبل هم فروش عکس بین مردم رواج داشته است مانند عکس شاه، عکس منظره. در بعضی از خاطرات و خصوصاً خاطرات ناصرالدین‌شاه آمده وی روزی به مغازه عکس‌فروشی در بازار تهران رفته است و این معلوم است که چندین مغازه وجود داشته است که عکس می‌فروختند عکس یک پدیده جدید بوده است و این کمک می‌کرده که از یک عکس چندین نسخه وجود داشته باشد. مردم به هر حال این عکس‌ها را می‌خریدند. سندی وجود دارد که به خاطر اینکه مردم بتوانند راحت بروند و عکس بگیرند و عکاسخانه دارالقون یا عکسخانه دربار که عکاسخانه همایونی نامش بوده نمی‌توانست از همه مردم عکاسی کند، یک عکاسخانه در خیابان باب همایون افتتاح می‌شود و شاگرد آقازا عکس‌باشی می‌رود در آنجا و از مردم عکس می‌گیرد. شاید در ابتدا مردم عادی به خاطر گرانی خیلی عکس نمی‌گرفتند اما به هر حال طبقه‌ای از مردم مراجعه می‌کردند و از خودشان عکس تهیه می‌کردند.

– **تأسیس این عکاسی ابتکار چه کسی بوده است؟**
ابتکار ناصرالدین‌شاه.

– **می‌توان گفت تمایل ناصرالدین‌شاه به عکاسی باعث رشد عکاسی در ایران شد؟**

– **این نوع حمایت در بین سران یا شاهان دیگر کشورها نمونه‌ای دارد؟**

– **آنجا که من در تاریخ دیدهام و خواندهام نمونه‌ای مانند ناصرالدین‌شاه که اینچنین مشهور است و اسنادی درباره‌اش وجود دارد، نیافتم.**

– **تمایل ناصرالدین‌شاه به عکاسی از آینده‌نگری وی بوده یا اینکه عکاسی برای او جنبه تفریحی داشته است؟**

در آغاز به دلیل خوشامد شاه این تمایل به وجود آمده است اما به فاصله کمی پس وی کاربردهای آن را فهمید و کارگردهایی را که او می‌تواند در حکومتداری از آن استفاده کند، درک کرد. در اوایل فرمان‌هایی را داریم که دستور داده است به ژول ریچارد که برود از عکاسی تخت جمشید عکاسی کند. این مأموریت و اینچنین مأموریت‌هایی نشان می‌دهد وی این کارکرد را درک کرده است و به جای اینکه شاه با آن همه مشقت برود شیراز که امکانش هم خیلی وجود نداشته یک عکاس را فرستاده است. در دوره‌های بعد یعنی همان ۱۲۸۰ به بعد آلبوم‌هایی وجود دارد که در ابتدای آن آمده است به دستور ناصرالدین‌شاه این عکس‌ها تهیه شده است. عکاسانی چون عبدالله قاجار یا آقازا عکس‌باشی عکس‌هایی تهیه می‌کردند؛ بیشتر هم از نقاط دور دست که شاه امکان حضور نداشته است. حتی برای سفر کربلا ناصرالدین‌شاه آقازا عکس‌باشی را مامور می‌کند تا یک نفر عکاس قابل بغرستد تا از مناطقی که بین راه وجود دارد عکاسی کند و بیاورد تا شاه ببیند که عباسعلی شاگرد آقازا می‌رود و از مناطق بین راه عکاسی می‌کند و عکس‌ها را در آلبومی تقدیم می‌شاه می‌کند.

– **در اصل مجوز عکاسی در آن زمان دستور همایونی بوده است؟**

بله، چون عکاسی وابسته به درباره بوده است. – **آیا زمانی بوده است که از طرف شاه منعی برای عکاسی وجود داشته باشد؟**
منعیات و محرمات همان منعیات شرع بوده است و چیزی به این عنوان نداشتیم. البته شاه اجازه نمی‌داد عکاس نامحرمی برود و از زنان عکس بگیرد و اگر هم عکاسی می‌شده است عکس‌ها نباید منتشر می‌شدند و



گفت‌وگو با محمدرضا طهماسب‌پور درباره نقش عکس در تاریخ

به تاریخ نگو مرا ثبت نکن

درز پیدا می‌کردند چون حالت‌های خیلی خصوصی از زنان شاه بوده است.

– **در دوره مشروطه چطور؟**

در آن دوره خیلی دستورات برای این کار داریم. منع عکاسی و منع عکس فروختن وجود داشته است. و این دستورات از طرف حکومت بوده است. به دلیل اینکه عکس باقرخان و ستارخان، آیتالله بهبهانی و… را می‌فروختند و این در بین مردم هیجانی ایجاد می‌کرده است. عکس مسبو نیز که باعث جرقه مشروطه شد تکثیر و فروخته شد که اینها منعیات بود که بعد از اینکه دربار احساس کرد این عکس‌ها روی مردم اثر می‌گذارد جلوی انتشار و فروش آن را می‌گرفت. در خاطر برخی از رجال دوره قاجار وجود دارد که عکاسان را با چوب فلک کردند به دلیل اینکه عکس سرران مشروطه را می‌فروختند. عکاسی از اجتماعات مردم ممنوع شد. این حرکت برای منع عکاسی و عکاسان از این دوران بیشتر آغاز می‌شود.

– **این اتفاق چه تأثیری روی عکاسی داشت؟**

اگر این اتفاق نمی‌افتاد قطعاً عکس‌های بیشتری داشتیم.

– **عکاس‌هایی بوده‌اند که به این فرمان‌ها و منعیات توجهی نکرده و عکاسی کردند؟**

بله مثلاً عکس‌های سوربوگین از سفارت انگلیس یا عکاسان دیگری هستند برخی از وابسته‌های سفارت‌های خارجی عکس‌هایی را تهیه کردند که عکس‌های آنها هنوز معلوم نیست کجاست. نمونه‌هایی را در مجموعه‌های خصوصی دیدهام که مربوط به ماجرای آشوب بعد از به توپ بستن مجلس است. البته عکاسان ایرانی خیلی جرات نمی‌کردند که عکاسی کنند. بیشتر وابسته‌های سفارت‌های خارجی عکس می‌گرفتند. حتی عکاسان ایرانی شهید هم داده بودند. یکی از عکاسان که از ماجرای مجلس عکاسی می‌کرده است لیاخوف و دارو دست‌اش وی را می‌گیرند و در همان مجلس شهیدش می‌کنند و جنازه وی را هم نمی‌دهند و بالاخره بعدها با گرفتن مبلغی جنازه وی را پس می‌دهند.

– **ایین منع برای عکاسی قبل از مشروطه هم سابقه‌ای داشته است؟**

فکر می‌کنم اولین بار بوده است. تا آن موقع مخالفتی به آن معنی وجود نداشته که کسی از جایی عکس نگیرد. عکاسی تهدیدی برای جایی نبوده است. اتفاقاً پدیدای شگفت‌انگیز بوده که خیلی‌ها دوست داشتند با آن مواجه شوند.

– **پس از مشروطه مقطع تأثیرگذار دیگری هم بوده که عکاسی در آن نقش مؤثری داشته باشد؟**
بعد از دوره مشروطه، جنگ جهانی را داریم که عکس‌های بسیار زیادی از آن دوران وجود دارد. از آن دوران عکاسی بسیار برای مردم سهل‌الوصول می‌شود و خیلی‌ها با دوربین‌های پرتابل‌تر می‌توانستند عکس بگیرند. بعد از قاجار حوادث گوناگونی در دوران رضاشاه و محمدرضاشاه وجود دارد نقطه عطف‌هایی مانند قیام ۳۰ تیر و کودتای ۲۸ مرداد را هم داریم. در دوره رضاشاه به دلیل اینکه ایران در حال نوسازی است و در حال گرفتن شکل تازه‌ای است، نمی‌خواستند عکس‌های قدیمی‌تر یا شکل قدیم منتشر شود برای همین دستورالعمل‌های خیلی شدیدی نوشته می‌شود از سوی وزارت فرهنگ و به‌شهریانی‌ها ابلاغ می‌شود که اگر کسی می‌خواهد عکس بگیرد خصوصاً خارجی‌ها باید عکس‌هایشان بازرسی شود. بازرسی‌ها و سانسورهای اینچنینی وجود داشته است.

– **رضاشاه برای ساخت و سازهایی که می‌کرد از عکس هم استفاده می‌کرد؟**

بله خیلی زیاد، دو سه سفرنامه دارد. چند مجموعه دارد که از تمام ساخت و سازهایی که انجام شده است عکاسی شده است. مثلاً از کارخانه‌های ریسندگی، شایلات و… عکاسی شده است.

– **در زمان رضاشاه عکاسی در بین جامعه رواج بیشتری داشته است؟**

به هر حال یکی از کارکردهای عکس، کارکرد مستندنگاری است یعنی با عکس، دوره‌ای را که در آن می‌زیستیم مستند می‌کنیم و اعلام می‌کنیم ما آدم‌هایی در شرایط این گونه با این نوع زندگی هستیم. این شیوه معیشت ماست. و… عکاسی از زمانی که ابداع می‌شود تاریخ‌نگاری از وقایع‌نگاری می‌افتاد می‌توانستیم داشته باشیم. در اصل شیوه معیشت و زندگی آن موقع را داشتیم و حداقل این بود که وقتی اینها را در سریال‌ها بازسازی می‌کردیم دیگر این همه اختلافات فاحش وجود نداشت.

تکنولوژیکی که بوده است به ایران هم رسیده است.

– **اگر تمایلات حکام برای ثبت عکس وجود نداشت الان در این زمان ما چه عکس‌هایی را از دست می‌دادیم؟**

با این وجود هم خیلی چیزها را از دست دادیم. به خصوص در دوره ناصری اگر ما مقداری عکس‌هایمان عمومی‌تر بود، خیلی از مواردی را که در خانواده‌ها اتفاق می‌افتاد می‌توانستیم داشته باشیم. در اصل شیوه معیشت و زندگی آن موقع را داشتیم و حداقل این بود که وقتی اینها را در سریال‌ها بازسازی می‌کردیم دیگر این همه اختلافات فاحش وجود نداشت.

– **در صداقت تاریخ هم تأثیر نمی‌گذاشت؟**

حتماً همین طور بوده است. به خاطر اینکه الان ما از آن زمان خلأ تصویری داریم. تصویری که از مشروطه داریم عکس‌هایی است که مردم برای اثبات هویت خودشان هم ایستاده‌اند نگاه می‌کنند. عکس‌هایی داریم از اجتماع بست‌نشینان. اگر ما بایگانی مناسب‌تری داشتیم به راحتی می‌توانستیم قضاوت‌ها و اطلاعات روشن‌تری داشته باشیم و براساس حدس و گمان خیلی چیزها را بازسازی کنیم. نویسنده‌ها معمولاً به‌رغم چیزهایی که می‌نویسند، چیزهایی را هم نمی‌نویسند خصوصاً در خاطرات ولی عکس دیگر این گونه نیست.

– **از عکس استفاده‌های اطلاعاتی به معنای حکومتی هم می‌شده است.**

چون انجمن‌های سری عکس از خودشان به جا نمی‌گذاشتند در این مورد استفاده‌ای نشده است اما عکس بیشتر کاربرد آگاهی‌رسانی داشته است و کاربرد جاسوسی یا استفاده حکومتی نداشته است.

– **در پهلوی دوم زمانی بوده که عکس تأثیری در ماجرای داشته باشد؟**

در پهلوی دوم عکاسی بسیار گسترده می‌شود. از اواخر ناصری عکس به معنای یک سند هویتی پذیرفته می‌شود و در اداره پلیس از مجرمان عکاسی می‌شده است و برای شناسایی از عکس‌ها استفاده می‌شده است. در دوره رضاشاه چون سیستم پلیسی بسیار پیشرفت داشت عکس خیلی کاربرد بیشتری پیدا کرد و استفاده‌های امنیتی از عکس‌ها شد. اما پژوهش‌های خاصی نشده است که بتوان از آن بهره گرفت.

– **عکس‌هایی که از دوران قبل از وقوع انقلاب تا زمان وقوع انقلاب تهیه شد تأثیر خاصی هم داشتند؟ آیا عکس شاخصی برای تهییج مردم بوده است؟**

قطعاً بوده است. منعیات می‌هم بوده است. یا کسی اگر عکس می‌گرفت به راحتی نمی‌توانست آنها را چاپ کند چون چاپخانه‌ها گزارش می‌دادند در آن زمان عکاسخانه کنترل می‌شد و دستورالعمل‌هایی برای برخورد و اطلاع درباره عکس‌های خاص وجود داشته است.

– **به هر حال عکس‌های عکاسان حرفه‌ای بین مردم می‌آمد و مؤثر بوده‌اند؟**

چرا تأثیر داشته‌اند. خود یادم می‌آید فتومونتازهایی بوده است که به دست مردم عادی انجام می‌شد. مثلاً عکس‌هایی که از خاندان حاکم به منظر ایجاد شده بود که در تهییج احساسات مؤثر بود. یا عکس‌هایی که از امام خمینی (ره) یا افرادی مانند شریعتی منتشر می‌شد بسیار مؤثر بود. یا مواردی بوده که نمایشگاه‌های خیابانی از عکس‌های عکاسان حرفه‌ای درباره وقایع برگزار می‌شده است خصوصاً پس از پیروزی انقلاب نمایشگاه‌های بسیار زیادی برگزار شد. به‌عکس‌هایی که ثبت می‌شود اگر وقایع باشد یا از زندگی عادی مردم چه اطلاعاتی را با خود همراه دارد و در آینده به چه کاری می‌آید یا مثلاً وجود کتاب عکسی که از بازارهایی عکاسی شده که نصف آن بازارها الان وجود خارجی ندارند چه سودی برای امروز ما دارد؟

به هر حال یکی از کارکردهای عکس، کارکرد مستندنگاری است یعنی با عکس، دوره‌ای را که در آن

کای وایدن هاور، دوست ملت



پس از گذراندن چند دوره آموزشی، در سال ۱۹۴۱ به مدت یک سال به کشور سوریه رفتم و در آنجا به یادگیری زبان عربی پرداختم. هیچ چیز نمی‌تواند جای محاوره مستقیم را در ارتباط‌گیری با مردم بگیرد. زبان، اعتماد می‌آورد و در نتیجه عکس‌های خوب. برای عکاسی از فلسطینی‌ها، بدون آنکه خودم را پشت دوربینم پنهان کنم ساعت‌ها به حرف‌هایشان گوش می‌دادم. از سال ۱۹۹۲ در غزه بودم و دوران بسیار سخت و پرحدثه‌ای را در آنجا گذراندم. احساس تنهایی می‌کردم. تمام مدت فکر می‌کردم به عنوان یک عکاس تأثیری بر روند حادثه خواهم داشت؟ اما چاپ این کتاب من را از این شک و تردیدها رها ساخت. کودکان که طرف من می‌دویدند و فریاد می‌زدند «صورتی»، یعنی از من عکس بگیر. اسرائیلی‌ها من را به گوشه دیواری می‌چسباندند. می‌گفتند «تو آدم خطرناکی هستی.» من همیشه فکر می‌کردم خطرناک برای چه کسی؟ چرا خطرناک هستم؟ چون ۲۰ هزار کیلومتر را با یک موتورسیکلت در سرزمین دشمنان آنها طی می‌کردم، بدون آنکه آسیبی ببینم. خبرنگارها فکر می‌کردند من دیوانه هستم. من با دوچرخه راه افتادم و توانستم هر دو منطقه اسرائیل و فلسطین را عکاسی کنم. فلسطینی‌ها به من می‌گفتند تو در اینجا از مایکل جکسون هم معروف‌تری. البته در آن موقع ترجیح می‌دادم در خانه‌ام در حال خوردن قهوه باشم تا در غزه مایکل جکسون باشم.

هستم مستند می‌کنیم و اعلام می‌کنیم ما آدم‌هایی در شرایط این گونه با این نوع زندگی هستیم. این معماری ماست. این شیوه معیشت ماست. و… عکاسی از زمانی که ابداع می‌شود تاریخ‌نگاری از وقایع‌نگاری می‌افتاد می‌توانستیم داشته باشیم. در اصل شیوه معیشت و زندگی آن موقع را داشتیم و حداقل این بود که وقتی اینها را در سریال‌ها بازسازی می‌کردیم دیگر این همه اختلافات فاحش وجود نداشت.

– **حتما همین طور بوده است. به خاطر اینکه الان ما از آن زمان خلأ تصویری داریم. تصویری که از مشروطه داریم عکس‌هایی است که مردم برای اثبات هویت خودشان هم ایستاده‌اند نگاه می‌کنند. عکس‌هایی داریم از اجتماع بست‌نشینان. اگر ما بایگانی مناسب‌تری داشتیم به راحتی می‌توانستیم قضاوت‌ها و اطلاعات روشن‌تری داشته باشیم و براساس حدس و گمان خیلی چیزها را بازسازی کنیم. نویسنده‌ها معمولاً به‌رغم چیزهایی که می‌نویسند، چیزهایی را هم نمی‌نویسند خصوصاً در خاطرات ولی عکس دیگر این گونه نیست.**

– **از عکس استفاده‌های اطلاعاتی به معنای حکومتی هم می‌شده است.**
چون انجمن‌های سری عکس از ماجراهای جنگ عکاسی شود. عکس این امکان را به ما می‌دهد که مستند همه اطلاعات را در اختیار داشته باشیم. در نتیجه اگر ما امروز منعی برای عکاسی ایجاد کنیم به راحتی بخشی از تاریخ را حذف کرده‌ایم. مثلاً اگر عکس‌های بیشتری از قاجار و رضاشاه داشتیم، می‌توانستیم اطلاعات بیشتری داشته باشیم.

– **درس امروز این نقصان برای امروز چیست؟**
مهم‌ترین درس آن برای ما اهتمام به جمع‌آوری آرشیو است. شما با مراجعه به یک آرشیو می‌توانید اطلاعات کامل کسب کنید و صاحب دیدگاه شوید.

– **می‌توانیم بگوییم یک پژوهشگر با وجود عکس و اسناد نسبت به گذشته تحلیل خودش را پیدا می‌کند اما اگر اسناد نباشد باید دید تاریخ‌نگار را بدپذیرد.**

بله دقیقاً یا باید دنباله‌رو تاریخ‌نگار باشد یا تحلیل‌های بسیار شخصی داشته باشد. پس اگر می‌خواهیم آیندگان از اطلاعات دقیقی داشته باشند باید عکس‌های زیادی از خودمان ثبت کنیم، آرشیو و طبقه‌بندی کنیم تا حفظ شود و برای آیندگان قابل استفاده شود. مثلاً از دوران جنگ و انقلاب عکس‌های بسیاری بوده است یا اتفاقاتی بوده است که الان عکس‌هایش در دست نیست.

– **از عکاسی چه قصوری سر زده که تمایل برای ثبت عکس در بین مردم کمتر شده است؟ حتی در زمان انقلاب و جنگ هم این طور نبوده. حداقل از ظاهر عکس‌ها برمی‌آید که سوزه‌ها تمایل داشته‌اند ثبت شوند ولی الان این طور نیست.**

خطا از عکاسی نیست. خطا از اتفاقاتی است که بعد از ثبت و انتشار عکس می‌افتد. مثلاً ویدیوهای شخصی برای رهایی از تبعات بعد از انتشار عکس نمی‌گذارد که از او عکاسی شود.

– **چرا این دفعه‌ده در وقایع غیرسیاسی هم رسوخ کرده عکس در مترو هم نمی‌توان عکس گرفت.**

این به رفتار عمومی ربط دارد. رفتار عمومی در کشور ما تحت تأثیر کسانی است و این رفتار و گفتن جمله «عکس بگیر» رفتاری است که به خاطر تبعاتی که بعد از عکاسی در کشور ما ایجاد می‌شده است در میان مردم جاری شده و باید این رفتار اصلاح شود. عدم اجازه عکاسی در جاهایی مانند مترو رفتار غلطی است که روهه شده است و حتی خود منع‌کنندگان هم نمی‌دانند چرا نباید در آنجا عکس گرفت. حتی در موزه‌های می‌توان راه رفت و نگاه کرد حتی به وسایل دست زد اما نمی‌توان خیابانی از عکس‌های عکاسان حرفه‌ای درباره وقایع برگزار می‌شده است خصوصاً پس از پیروزی انقلاب نمایشگاه‌های بسیار زیادی برگزار شد.

– **چرا این دفعه‌ده در وقایع غیرسیاسی هم رسوخ کرده عکس در مترو هم نمی‌توان عکس گرفت.**
این به رفتار عمومی ربط دارد. رفتار عمومی در کشور ما تحت تأثیر کسانی است و این رفتار و گفتن جمله «عکس بگیر» رفتاری است که به خاطر تبعاتی که بعد از عکاسی در کشور ما ایجاد می‌شده است در میان مردم جاری شده و باید این رفتار اصلاح شود. عدم اجازه عکاسی در جاهایی مانند مترو رفتار غلطی است که روهه شده است و حتی خود منع‌کنندگان هم نمی‌دانند چرا نباید در آنجا عکس گرفت. حتی در موزه‌های می‌توان راه رفت و نگاه کرد حتی به وسایل دست زد اما نمی‌توان خیابانی از عکس‌های عکاسان حرفه‌ای درباره وقایع برگزار می‌شده است خصوصاً پس از پیروزی انقلاب نمایشگاه‌های بسیار زیادی برگزار شد.

– **عکسی که ثبت می‌شود اگر وقایع باشد یا از زندگی عادی مردم چه اطلاعاتی را با خود همراه دارد و در آینده به چه کاری می‌آید یا مثلاً وجود کتاب عکسی که از بازارهایی عکاسی شده که نصف آن بازارها الان وجود خارجی ندارند چه سودی برای امروز ما دارد؟**

به هر حال یکی از کارکردهای عکس، کارکرد مستندنگاری است یعنی با عکس، دوره‌ای را که در آن می‌زیستیم مستند می‌کنیم و اعلام می‌کنیم ما آدم‌هایی در شرایط این گونه با این نوع زندگی هستیم. این شیوه معیشت ماست. و… عکاسی از زمانی که ابداع می‌شود تاریخ‌نگاری از وقایع‌نگاری می‌افتاد می‌توانستیم داشته باشیم. در اصل شیوه معیشت و زندگی آن موقع را داشتیم و حداقل این بود که وقتی اینها را در سریال‌ها بازسازی می‌کردیم دیگر این همه اختلافات فاحش وجود نداشت.